

پایام تصویب قانون اساسی موقت عراق، فدرالیسم و تجزیه طلبی از دید دو صاحب نظر

هستند. حالا ما به عنوان حزب دموکرات می گوئیم در شکل خودمختاری هستند، این شکلی درش نیست. به هر حال حداقل با تاریخ حزب دموکرات نزدیک به ۶۰ سال است که کردها برای این حقوق مبارزه می کنند. این چیز طبیعی است که این تظاهرات در عین حال که نشانه همبستگی است، در عین حال هم به جمهوری اسلامی مردم به روشنی می خواهند بگویند که ما خواستار تحقق و به رسمیت شناخته شدن حقوقمان هستیم.

ا.م.ک.: اما پاره ای دیگر از احزاب ایرانی از گرایش های مختلف، مثلا از گرایش های ملی یا مشروطه خواه، وقتی صحبت از حقوق اقلیت های قومی می شود تا آن جا می روند که بگویند که مثلا پذیرش آن اصل انجمن های ایالتی و ولایتی مورد نظرشان است و یک وجه تمایزی می گذارند بین این با خودمختاری و فدرالیسم.

خسرو عبداللہی: درست است، ما در قانون اساسی ایران در تقریبا حدود نزدیک به ۱۰۰ قبل از این (حدود ۱۰۰ سال می گویم برای این که انقلاب مشروطه ایران سال اولش در سال ۱۹۰۶ بوده است)، این به عنوان یک پیشینه برای آن زمان بوده است که متاسفانه هیچ وقت به واقعیت نپیوست، یعنی تحقق نیافت. می دانید، دنیای امروز تحول پیدا کرده است. الان در دنیا ما ده ها کشور فدرال داریم و با توجه به بافت ایران و بافت مردمی ایران این که حالا ما می گوئیم ملیت ها، بعضی ها حالا می گویند قوم، به هر حال برای ما کلمه زیاد مطرح نیست؛ مساله ما تحقق این حقوق است. فدرالیسم با توجه به بافت جمعیتی ایران و با توجه به این که شش ملیت در ایران زندگی می کنند، فکر می کنیم که شکل فدراتیو برای اداره ایران بهترین شکل باشد. ولی خوب، حزب دموکرات همیشه گفته است که ما نمی توانیم به جای بقیه ملیت های ایران تصمیم بگیریم. به عنوان حزب دموکرات ما خودمختاری را برای مردم کرد خواهیم. خودمختاری هم چیز روشنی است که این مردم در مناطق خودشان بتوانند کارهای خودشان را خودشان اداره بکنند و زبانی دارند این زبان به بچه هایشان تدریس بشود. یعنی در واقع خودمختاری این است و چیز بیشتر از این نیست و از نظر دموکراسی هم اگر کار مردم به دست مردم سپرده بشود، این بهترین نوع دموکراسی است و مساله این است که مردم در تصمیم گیری ها در اداره امور خودشان شریک نیستند و در واقع آقابالاسر هایی دارند که مردم را صغیر حساب می کنند و به جای آن ها تصمیم می گیرند. این چیزی است که حالا بعضی از جریانات ایرانی مثل کبک سرشان را در برف می کنند و نمی خواهند مساله را ببینند، این واقعیتی است که هست. ما در ایران شش ملیت داریم؛ تا این ها به حقوقشان نرسند، واقعیت این است که ما نمی توانیم از دموکراسی در ایران حرف بزنیم.

امیرمصدق کاتوزیان (رادیو فردا): در پی تصویب قانون اساسی موقت جدید عراق که در آن نقش ویژه ای برای کردهای این کشور در نظر گرفته شده است، شهرهای کردستان ایران نیز این هفته شاهد ابراز احساسات شماری از اجتماع کنندگان بود. این اجتماعات که با شادمانی ساکنان برخی شهرهای کردنشین غرب ایران همراه بود، در مواردی بر مبنای پاره ای گزارش ها به خشونت نیز گرایید که در نتیجه آن تعدادی از اجتماع کنندگان بازداشت شدند. زمینه اصلی ابراز این گونه شادمانی ها، دستاوردهای اخیر مردم کرد عراق در پرتو تصویب قانون اساسی موقت جدید عراق بود که چشم انداز یک عراق فدرال و دموکراتیک را در برابر آنان می گسترد. این که کردهای ایرانی تا چه پایه ممکن است در آرزوهای کردهای کشور همسایه عراق شریک باشند، موضوع گفتگویی است که با دو صاحب نظر: آقایان خسرو عبداللہی، سخنگوی برونمرزی حزب دموکرات کردستان ایران در پاریس، و داریوش همایون، رایزن شورای مرکزی حزب مشروطه ایران در ژنو داشتیم. آقای عبداللہی از حزب دموکرات کردستان ایران می گوید: جای تعجب نیست که کردهای ایران از دستاوردهای کردهای عراق شادمان باشند.

خسرو عبداللہی (سخنگوی برونمرزی حزب دموکرات کردستان ایران، پاریس): به هر حال مردم کرد در هر پارچه ای از کردستان که باشند، نسبت به سرنوشت مردم کرد در پارچه های دیگر احساس همبستگی می کنند. چیز عجیب و غریبی نیست که با امضای به اصطلاح قانون اساسی موقت عراق که در آن بخشی از حقوق مردم کرد در کردستان عراق در شکل فدرال به رسمیت شناخته شده است، چیز عجیبی نیست. مردم کرد در کردستان ایران به نشانه همبستگی ابراز احساسات می کنند و با آمدن به خیابان در شهرهای کردستان ایران، این همبستگی را با جشن و پخش شیرینی به یکدیگر از خود نشان می دهند.

ا.م.ک.: خودمختاری که عنوان می شود از طرف بعضی از احزاب و تشکل ها مثل تشکل خود شما، معنیش همان فدرالیسم است یا این که معنی دقیق این می تواند چه باشد؟

خسرو عبداللہی: این مسلم است که کردهای ایران خواست هایی دارند، کردهای ایران خواستار حقوق خودشان هستند و ما یک جمهوری کرد در ایران داشتیم، آن جمهوری کردستان، و برنامه حزب دموکرات هم می دانید که دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان ایران است. مسلم است که در بخشی از کردستان که مردم کرد به حقوقشان در شکل فدرال می رسند، کردهای ایران که ابراز احساسات و همبستگی می کنند، مسلم است که کردهای ایران هم خواستار تحقق و به رسمیت شناختن حقوقشان

ا.م.ک.: نگرانی که آن گروه های دیگر که شما به آن ها اشاره کردید ابراز می کنند، این است که با این شما صحبت از خودمختاری برای کردستان در چهارچوب تمامیت ارضی ایران می کنید، ولی دادن خودمختاری ممکن است که عواقب ناخواسته ای داشته باشد، یعنی پیامدهایی را داشته باشد که خود حزب دموکرات کردستان هم نخواهد و آن پیامدها از جمله اوج گرفتن حرکت جدایی طلبانه باشد. پاسخ شما به این نگرانی که

...
خسرو عبداللہی: ببینید الان من این مساله را این طوری نمی بینم. کسانی که این واقعیت را نمی بینند و نمی خواهند مردم در ایران خودشان تصمیم بگیرند، در واقع تجزیه طلب این ها هستند. این ها هستند که باعث می شوند با جلوگیری از به رسمیت شناختن حقوق این ملیت ها در چهارچوب ایران، ملیت های تحت ستم را به نوعی وادار به گریز از مرکز و گریز از ایران می کنند و اگر این سیاست ها ادامه پیدا بکند، ما به عنوان حزب دموکرات نظرم ان این است که متاسفانه یک چنین نظریاتی و نظریات چنین گروه هایی می تواند مساله را به جدایی خواهی بکشاند.

ا.م.ک.: با این گفته های خسرو عبداللہی از حزب دموکرات کردستان ایران که می گوید جای تعجب نیست که کردهای ایران از دستاوردهای کردهای عراق شادمان باشند، داریوش همایون از حزب مشروطه ایران نیز موافق است.

داریوش همایون (رایزن شورای مرکزی حزب مشروطه ایران، ژنو): این که به هر حال کردها در عراق توانستند حقوق خودشان را به دست بیاورند، باعث شادی همه ما باید بشود؛ برای این که از روزی که کشور عراق ساخته شد، کردها و به درجه کمتری شیعیان زیر فشار بوده اند و از حقوقشان محروم. به ویژه در عراق که ترکیب نژادی جمعیت (حال که نژاد به معنی حزب اصلی است البته) به قدری مشخص است و تفاوت ها زیاد است که حتما باید پیش بینی هایی می شد برای حفظ حقوق کردها، حفظ حقوق فرهنگیشان و سیاسیشان، ولی نشد این کار. حالا آمریکایی ها که دارند عراق تازه ای می سازند، متوجه شده اند که بدون جلب رضایت کردها این عراق تازه ساخته نخواهد شد و توانسته اند این را به عناصر دیگر جمعیت، به خصوص شیعیان، هم ببیورند؛ این مایه خوشبختی ما است. البته راجع به فدرالیسم که آن جا اشاره شده است، تعبیرات زیاد است. فدرالیسم را همه گونه می شود تعریف کرد. آن چه که مورد نظر است و اصل قضیه است، مفهوم حکومت های محلی است و حکومت محلی است که در کردستان به وجود آمده است و خواهد آمد در این قانون اساسی و کار مردم به دست خود مردم است و زمینه های بسیار وسیعی را این اختیارات محلی در بر می گیرد و معنی حکومت محلی هم همین است که مسئولان پاسخگو باشند در برابر پارلمان های محلی و مجالس محلی که انتخاب شده از طرف مردم هستند.

ا.م.ک.: در شرایط کنونی که نظام حاکم ایران یک مقدار حساسیت داشته است به مساله کردستان ایران، در عین حال در نظام قبلی هم این حساسیت وجود داشته است و همین طور گرایش ملی در ایران هم نگرانی هایی را ابراز می کند در مورد این که اگر فدرالیسم در ایران تحقق پیدا بکند، ممکن است که دامنه اش به جدایی از ایران کشیده بشود. آیا این نگرانی ها الان برطرف شده است در شرایط کنونی جهانی؟

داریوش همایون: در ایران چنین اتفاقاتی نخواهد افتاد؛ برای این که ایران با هر کشور دیگری که در معرض این گونه تهدیدات است، تفاوت دارد. ترکیب جمعیت ایران که البته موزائیکی است، در سه هزاره درست کم دوام آورده است؛ این مردم در کنار هم زندگی کرده اند، هیچ بخشی از این جمعیت هم به زور جزو ایران نشده است یا با مداخله خارجی. اسم کلی فرق دارد با آن صورت. فدرالیسم در ایران بدجوری شروع شد؛ یعنی در سال 1324 نیروهای شوروی که قرار بود از ایران بیرون بروند به موجب تعهدشان، ماندند در ایران و دو دولت عملا نیمه مستقل که یکی مثلا اسمش جمهوری کردستان بود، تشکیل دادند و این ها زیر عنوان فدرالیسم در واقع یک برنامه تجزیه طلبانه را دنبال می کردند؛ چه در آذربایجان و چه در کردستان و این طعم تلخی باقی گذاشت در دهان همه ایرانیان و عنوان فدرالیسم را آلوده کرد، برای این که از آغاز در ایران با مداخله شوروی و با سرنیزه شوروی همراه بود؛ البته یک سال بیشتر طول نکشید و الان نسل تازه ایرانیان فراموش کرده اند. ولی یک سال عملا این دو استان را نیروهای شوروی از ایران جدا کرده بودند به نام خودمختاری و به نام فدرالیسم. آن چه ما دنبالش هستیم باید همان دنبال کردن حکومت های محلی و طرح حکومت های محلی باشد؛ که در رژیم گذشته روی همان سابقه دنبالش نرفتند و در رژیم کنونی هم که دنبال هیچ کار اساسی نمی روند. ولی خوب، وقتی که شرایط ایران عادی شد و در ایران دموکراسی برقرار شد مسلما باید به همه مناطق ایران و به همه اقوام ایران این حق انتخاب حکومت های محلی را داد و دستگاه اجرایی را پاسخگوی ارگان های انتخابی خود مردم در آن محل کرد. به هر حال وضع ایران فرق دارد و ایران را چنین خطری تهدید نمی کند در هیچ شرایطی.

ا.م.ک.: هستند احزابی در کردستان ایران که صحبت از خودمختاری می کنند و می گویند که اگر چنین خودمختاری تحقق پیدا نکند، زمینه تجزیه ایران فراهم می شود و آن وقت مسبب آن تجزیه آن کسانی هستند که شرایط تحقق خودمختاری را فراهم نمی کنند یا در برابرش مانع می گذارند. پاسخ شما به این نوع نگرانی که از طرف آن ها ابراز می شود چیست؟

داریوش همایون: یک - باید خودمختاری تعریف بشود که منظور چیست و این که همه گونه تعبیر می شود کرد. در سال ۱۳۲۴ هم تعبیرات خیلی وسیعی از آن شد. پاره ای از گروه ها هستند در کردستان و پاره ای عناصر در آذربایجان که دنبال تجزیه هستند. ولی این

ها به هیچ وجه اهمیتی ندارند؛ توده مردم چه در کردستان و چه در همه مناطق ایران تجزیه طلب نیست و به هیچ وجه فکر جدایی از ایران مطرح نیست. این گروه در یک جا حق دارند و به این که نباید در برابر دادن اختیارات محلی به مردم در هر منطقه مقاومت کرد. موضوع کردستان یا غیر کردستان نیست، هر جای ایران باید یک قانون عمل بشود، این حکومت های محلی در همه ایران باید باشد، نه فقط در کردستان؛ همه را به یک چشم باید نگاه کرد و این هم برای دموکراسی در ایران سودمند است و هم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور.

ا.م.ک.: مثلا حزب دموکرات کردستان ایران این طوری خودمختاری را از جمله تعریف می کند که در کردستان ایران باید زبان کردی در کنار زبان فارسی تدریس بشود، در ادارات استفاده بشود، و در عین حال کسانی که آن جا برگزیده می شوند برای کار کردن و مسئولیت پذیرفتن از خود کردها باشند. اگر این تعبیری باشد که آن ها ارائه می دهند، نظر شما چیست؟

داریوش همایون: این تعبیرات کاملا مشروع است و کاملا منطقی است. حالا اگر مردم خواستند یک کسی را که آن جا کرد نیست انتخاب کنند، نباید جلوی او را گرفت؛ برای این که دموکراسی است. جمعیت این مناطق هم به هر حال آمیخته است؛ یعنی ۱۰۰ درصد مردم در هیچ جای ایران یکدست نیستند. این است که باید رفت روی دموکراسی، رفت روی انتخابات آزاد، هر کس انتخاب شد. طبعا بیشتر در کردستان کردها انتخاب خواهند شد، شکی نیست؛ از آذربایجان آذری ها. ا.م.ک.: پس آیا شما به یک تعبیر دارید می گوئید که این فدرالیسم و خودمختاری و سپردن کار مردم آن مناطق به دست خودشان، نوع مختلف صحبت کردن در مورد این ها است و واژه هایی که برای این ها دارد به کار برده می شود؛ ولیکن تفاوتی در این مفاهیم نیست؟

داریوش همایون: حقیقتا این طور است. اگر بشکافیم اگر موضوع تجزیه طلبی در میان نباشد در مورد ایران جز یک اقلیت کوچکی، تفاوتی میان این واژه ها نیست. من تصور می کنم که اصطلاح حکومت های محلی دربر گیرنده همه جنبه های موضوع است، هم از نظر طبیعت دموکراسی و هم از نظر تمرکز زدایی که اصل مساله است در ایران و باید تمرکز را در ایران از بین برد. مرکزیت را نباید از بین برد، ما به هر حال یک حکومت مرکزی لازم داریم؛ و تمرکز و همه چیز جمع شدن در تهران را که بنای سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی همیشگی ما بوده است، این را باید برطرف کرد و این با حکومت های محلی کاملا انجام پذیر است. ضمن این که در این به اصطلاح حکومت های محلی حقوق مدنی و مذهبی و فرهنگی اقوام و مناطق هم تضمین شده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر یک میثاق هایی پیوست دارد که آن میثاق ها را اگر ما همه به آن پایبند باشیم، کل مساله را حل خواهد کرد. این میثاق هایی که ناظر است بر همین حقوق مدنی و فرهنگی مذاهب و اقوام اقلیت ها به این عنوان، تمام این موضوعات را دربر می گیرد. یک نکته در آخر اشاره بکنم، در ایران ما اقلیت قومی نداریم؛ ما اقلیت مذهبی و جنسیتی داریم، ولی هیچ کس به دلیل قومیتش مورد تبعیض نیست؛ چون اقلیت ها یعنی تبعیض حقوقی و ما تبعیض حقوقی را در هیچ وقت در ایران در مورد اقوام نداشته ایم، اما در مورد مذاهب و جنسیت همیشه داشته ایم.

ا.م.ک.: گفته های داریوش همایون، صاحب نظر سیاسی و رایزن شورای مرکزی حزب مشروطه ایران را در برنامه ایران در این هفته از رادیو فردا می شنیدیم.

[Link to original article](#)